

تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری

ملیحه شیانی*

(تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۸/۲/۱)

چکیده

مباحث شهروندی در جهان معاصر از جذابیت عام برخوردار است و توجه بسیاری از عالمان اجتماعی و سیاسی را در رشته‌های مختلف به خود جلب کرده است. گرایش به شهروندی و به‌کارگیری آن در درک و تحلیل بسیاری از مسایل اجتماعی و شهری صرفاً به تلاش‌های علمی و ارزشمند صاحب‌نظران و پژوهش‌گران مربوط نمی‌شود، بلکه به شایستگی خود مفهوم جهت کارآمدی در مدیریت و برنامه‌ریزی در امور مختلف هم بازمی‌گردد. به گونه‌ای که امروزه بسیاری از موضوع‌ها و مسایلی نظیر فقر، نابرابری، جنسیت و حتی محیط زیست از منظر شهروندی تحلیل می‌شوند؛ نوشتار حاضر هم در اصل بر مبنای سودمندی ایده و مفهوم شهروندی در مدیریت شهری تدوین شده است.

این مقاله تلاش دارد ضمن مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی، با استناد به یافته‌های پژوهشی وضعیت شهروندی در شهر تهران را بررسی کند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد معنادار و قابل درک نبوده و آگاهی نسبت به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی با عوامل بازدارنده‌ای در جامعه مواجه است. بدیهی است شهروندی با رفع موانع و ایجاد زمینه‌های عینی و ذهنی آن در بخش‌های مختلف به منصف ظهور خواهد رسید. مدیریت شهری می‌تواند با تدوین و اجرای برنامه‌های شهروندمدار گام‌های مؤثری در حل مسایل و مشکلات شهری بردارد.

واژگان کلیدی: شهروندی، حقوق، وظایف، احساس مدیریت شهری.

طرح مسئله

جمعیت شهرنشین دنیا در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا پایان قرن بیستم با جهشی بی‌سابقه رشد یافته است. این مسئله در کنار ضرورت وجود امکانات، درخواست‌ها و نیازها، تغییر نقش ساکنان شهر به "شهروند" را در مطالعات شهری، به موضوعی محوری بدل ساخته است. چنان‌چه بخواهیم هم‌گام با توسعه شهرها، پاسخ‌گوی

* استادیار گروه برنامه‌ریزی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، mshiani@ut.ac.ir

احتیاجات امروزمین باشیم و سهم نسل‌های آینده از منابع را نیز در نظر بگیریم، بایستی چگونگی اداره شهرها را بر پایه مشارکت آگاهانه شهروندان تعریف و برنامه‌ریزی کنیم. این مدیریت و برنامه‌ریزی اقتضا می‌کند که مردم به عنوان شریک و نه رقیب در امور مربوط به اداره شهرها مشارکت داشته باشند. بدین معنا که با اعمال سیاست تمرکززدایی، قدرت تصمیم‌گیری اجتماعات محلی افزایش یابد و مقتدرسازی در سطوح پایین و اطلاع‌رسانی و فضای امن از بالا ایجاد شود.

امروزه نقش شهروندی در فرآیند توسعه کشورهای مختلف مسلم فرض شده، لیکن در بسیاری از جوامع آگاهی کامل از موضوع که منجر به طرح برنامه‌های عملی شود، به دست نیامده است. به عبارت دیگر، با وجود اتفاق نظری در باب مطلوب بودن مفهوم، هنوز توافق کامل بر سر کاربرد آن وجود ندارد، چرا که شهروندی دارای تفاوت و تنوع شدید مفهومی و معنایی است. به طوری که حتی در گفتگوهای روزمره در زمینه تربیت "شهروند خوب" به عنوان هدف جامعه، معنای آن دقیقاً روشن نیست. بر همین اساس، جهت دستیابی به تعریف و درک مناسب شهروندی، مراجعه به تحولات تاریخی و نظری آن ضروری به نظر می‌رسد. باید دانست که «شهروندی نه تنها به موقعیت قانونی، بلکه به آرمان‌های هنجار دموکراتیک باز می‌گردد و قصد ارائه موقعیت و هویت مشترک و عام را دارد که به پیوند و همبستگی میان اعضای جامعه کمک می‌کند» (دایره‌المعارف فلسفه، ۲۰۰۰: ۴۲). این مفهوم معرف عضویت سیاسی - اجتماعی است که رابطه متقابل میان فرد، دولت و نهادهای مختلف در هر جامعه را بازتاب می‌دهد. بنابراین، شهروندی به مثابه ایده‌ای ارتباطی^۱ به خوبی آشکار می‌سازد که در مدیریت شهری، همکاری میان افراد برای اداره زندگی‌شان ضروری است و به عنوان یک ایده دو جانبه فرد را ضمن برخورداری از حقوق، از تعهد نسبت به دیگران رها نمی‌داند و چنان‌چه از معنا و جوهره واقعی برخوردار شود، به رفتارهای خودسرانه اجازه بروز نمی‌دهد.

^۱. Relational

گذاری تاریخی بر مفهوم شهروندی

شهروندی در حیات اجتماعی انسان‌ها هرگز پدیده‌ای واحد و یکپارچه نبوده و معانی متعددی را به خود اختصاص داده است. در تحول تاریخی، می‌توان نخستین مظاهر شهروندی را در بین‌النهرین و در تمدن سومر یافت (ر.ک پیران، ۱۳۸۰). این پدیده پس از مدتی افول، دیگر بار در تمدن آتن ظهور کرد و با تجلی دموکراسی در دولت - شهرهای^۲ یونان تحقق یافت. در این زمان، شهروندی با تأکید بر تعهدات و مسئولیت‌ها به معنای مشارکت در دولت - شهرها بود. دو شهر آتن و اسپارت دو نمونه آرمانی با اصول سیاسی متضاد، مظاهر دموکراسی و استبداد، شاهد ظهور شهروندی بودند. اهم وظایف شهروندان آتنی، مشارکت در امور حکومتی و قضایی و در اسپارت ایثار و از خود گذشتگی در قالب شهروند - سرباز بود (هیتر، ۱۹۹۹: ۴۴-۴۵). به این ترتیب، در یونان باستان ارتباطی نزدیک میان سرنوشت افراد و جامعه وجود داشت و درحقیقت سرنوشت فرد در سرنوشت جامعه تجلی می‌یافت. این پیوند مستلزم تعهدات و انجام وظایفی بود که فرصت‌هایی برای کسب فضیلت اخلاقی و خدمت به جامعه تلقی می‌شد. البته در این گستره، افراد بی‌شماری نظیر زنان، کودکان، بردگان، بربرها و بیگانگان شهروند محسوب نمی‌شدند (الیور و هیتر، ۱۹۹۴: ۱۳).

در روم باستان شهروندی در معنای کاملاً جدید، دیگر به عضویت در دولت - شهر وابسته نبود و به‌طور قابل ملاحظه‌ای افراد خارج از آن محدوده را نیز در برمی‌گرفت. در این دوره، رومی‌ها پس از فتوحات جنگی با اعطای حق عضویت، به ساکنان سایر سرزمین‌ها به عنوان سربازان ذخیره و گروه‌های آماده دفاع از مرزهای امپراتوری، حق شهروندی اعطا می‌کردند. بنابراین، شهروندی افزون بر گستره، در معنا نیز دستخوش تغییراتی شد؛ به طوری که پیوند خود را با مشارکت از دست داد و بیشتر به یک موقعیت قانونی تبدیل گردید (کستلز و دیویدسون، ۲۰۰۰: ۳۳). پس از فروپاشی امپراتوری روم، اهمیت شهروندی بیش از پیش کاهش یافت. کلیسا جایگزین وفاداری و هدایت اخلاقی جامعه سیاسی گردید. با این حاکمیت، در قرون وسطی جز چند شهر ایتالیا عرصه‌ای برای تداوم شهروندی وجود نداشت. در قرون شانزدهم و هفدهم، با شکل‌گیری افکاری در زمینه امنیت، نظم، حقوق فردی، آزادی، مالکیت و... برای اعضای جامعه بنیان شهروندی مدرن پی‌ریزی شد. نقطه عطف شهروندی مدرن انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه است که در آن دولت و ملت با هم ترکیب شد و مفهوم دولت - ملت^۳ شکل گرفت. در این دوره قلمرو شهروندی به وسیله مرزهای میان دولت‌ها تعیین می‌شد و عنصر محوری شهروندی "حقوق" بود که صرفاً به گروه‌های ممتاز اعطا نمی‌شد، بلکه در بستر دولت - ملت به همه مردم تعلق می‌گرفت. محوریت حقوق با انتشار اعلامیه حقوق بشر و شهروند در ۱۹۷۹ تثبیت گردید. در بطن انقلاب فرانسه، «برداشت نوینی از شهروندی در خدمت به ملت از طریق نمایش فضیلت مدنی^۴ و تعهد نظامی پدیدار گردید و آزادی و برابری با برادری توأم شد(فالکس، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸).

2. City-state

3. Nation-state

4. Virtue civic

در مرحله بعد، پدیده جهانی شدن وضعیت شهروندی ملی را دگرگون کرد و تحولات ساختاری مهمی را به وجود آورد. این تحولات مرزهایی را که دولت بر آن متکی بود، نامشخص ساخت و شهروندی را به مفهومی جهانی و فراملیتی تبدیل کرد. به بیان دیگر، در دوره پسامدرن، جهانی شدن در حال گسستن پیوند شهروندی با دولت از یک سو و با ملت از سوی دیگر است. در این گسست بر حقوق انسان‌ها و تکالیف جهانی تأکید می‌شود. با گذاری تاریخی بر این مفهوم، آشکار می‌شود که شهروندی دارای سابقه بسیار طولانی از دوران باستان تا به امروز است که به اشکال متعدد شکل گرفته و به تدریج در گونه‌های مختلف نهادینه شده است. جدول زیر مدل تاریخی شهروندی را به اختصار نشان می‌دهد.

جدول ۱. مدل تاریخی شهروندی

دوره	اجتماع / جامعه	شهروندی
باستان	دولت - شهر سومر دولت - شهر یونان	تأکید بر حقوق و مسئولیت‌ها در قالب تشکیل انجمن‌ها و شوراها شهروندی مبتنی بر اخلاق، اولویت منافع اجتماع، تأکید بر تعهدات و وظایف، درک سلسله‌مراتبی و انحصاری از شهروندی
	امپراتوری روم	شهروندی مبتنی بر قانون، اولویت منافع اجتماع، تأکید بر وظایف نظامی، گسترش به غیر رومی‌ها، درک سلسله‌مراتبی با انحصار کمتر از شهروندی
قرون وسطی	برخی شهرهای ایتالیا	شهروندی مبتنی بر قانون، اعطای حقوق به انجمن‌ها و شوراها نه افراد، تأکید بر مسئولیت‌ها و تعهدات
مدرن	شکل‌گیری تفکرات نوین قرون ۱۶ و ۱۷	شهروندی مبتنی بر حقوق، فرد صاحب حق، دولت در خدمت افراد، تأکید بر برابری، حقوق سیاسی و اطاعت از دولت
	دولت - ملت	شهروندی مبتنی بر ملیت (پیوند شهروندی با ملیت)، سرمایه‌داری، تأکید بر حقوق سیاسی و حقوق مدنی، توسعه دموکراسی
پسامدرن	دولت رفاه	نقد رابطه شهروندی با سرمایه‌داری، تأکید بر برابری، حقوق اجتماعی و شهروندی اجتماعی
	جهان	شهروندی مبتنی بر حقوق انسانی، شهروند جهانی

در این فرآیند طولانی بر حسب دوره‌های مختلف، صاحبان اندیشه و تفکر تعاریف متعددی از شهروندی ارائه کرده‌اند که هر یک بر بعد یا ابعادی از مفهوم تأکید داشته است. تعاریف ارسطو مبتنی بر مشارکت در احراز مناصب و دادرسی (۱۳۷۱: ۱۰)، ماکیاولی مبنی بر دفاع از جمهوری، جان لاک و توماس هابز با طرح حقوق فردی، آزادی و برابری از آن جمله‌اند. هم‌چنین در دوره مدرن مارشال (۱۹۶۴: ۱۷) با اعطای حقوق سه‌گانه سیاسی، مدنی و اجتماعی و در دوره پسامدرن ترنر با حقوق انسانی ظهور شهروندی جهانی را مطرح کرده است (۲۰۰۰: ۲۳).
با مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی و کاربردهای متفاوت آن توسط صاحب‌نظران، روشن‌فکران، رهبران و افراد عادی سه‌گونه برداشت از شهروندی را می‌توان از هم تفکیک کرد: ۱) شهروندی به صورت یک واژه توصیفی، تجربی و عینی در بردارنده حقوق و تکالیف واگذار شده به افراد شایسته در دولت خاص مثل دولت - شهرهای یونان یا دولت‌های ملی در دوره جدید؛ ۲) شهروندی در قالب یک قضاوت اخلاقی مشتمل بر مجموعه اخلاق و فضایل فردی به عنوان یک شهروند خوب و واقعی؛ ۳) شهروندی به صورت یک واژه تحلیلی دربرگیرنده حمایت دولت از اعضای خود و ایجاد فرصت‌های مشارکت سیاسی برای آنان (جانویتز، ۱۹۸۰: ۴۸). به این ترتیب در دوره‌ها و دیدگاه‌های مختلف شهروندی از لحاظ معنا و محتوا، گستره، بستر اجتماعی و عمق متفاوت بوده است، اما می‌توان جوهره آن را بر سه عنصر حقوق، وظایف و احساس - هویت و فضیلت مدنی - قرار داد.

شهروندی در نظام حقوقی ایران

حق شهروندی براساس نظام حقوقی هر کشور که مهم‌ترین آن "قانون اساسی" است، به افراد تعلق می‌گیرد. با وجود این، تا قبل از استقلال امریکا و انقلاب فرانسه، قانون اساسی مدونی در جهان وجود نداشت. تنها یک سلسله توصیه‌های اخلاقی، دینی و کدهای رفتاری تعیین‌کننده بود. قانون اساسی ایران در ۱۳۲۴ ه.ق تدوین گردید و متمم آن در ۱۳۲۵ ه.ق حقوق مردم و آزادی‌های فردی را بیشتر تشریح کرد. در قانون اساسی و دیگر قوانین تا دوره مشروطیت، به جای واژه شهروند، از کلمه "رعیت" و جمع آن "رعایا" استفاده می‌شد. به این معنا که مردم ایران رعیت پادشاه و تابع و فرمانبردار او به شمار می‌رفتند. بعد از مشروطیت با وجود تغییرات محوری در مطالبه حقوق مردم و تصویب قانون مدنی، افراد جامعه ایران از دیدگاه حقوقی هم‌چنان تبعه دولت ایران و نه شهروند معرفی شدند. درحقیقت، افراد جامعه تبعه محسوب شده و دولت متبوع بود. حق و حقوقی وجود نداشت و فقط وظایف و تکالیفی در نظر گرفته شده بود. برای مثال در عرف قاجار سربازگیری یک وظیفه عمومی بود که با تبعیض اجرا می‌شد. در دوره پهلوی هم هیچ قانونی برای تعیین حقوق زنان و مردان به عنوان شهروند پیش‌بینی نشده بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی در فصل سوم، حقوق ملت مطرح شده و در هیچ‌یک از اصول واژه شهروند به کار نرفته است (امین، ۱۳۷۶: ۳۴۹-۳۴۸).

در حال حاضر، حقوق شهروندی در قانون اساسی از حیث موضوع به دو دسته اصلی قابل تقسیم است، حقوق اساسی یا کلی و حقوق اجتماعی؛ شامل حقوق سیاسی و حقوق اداری که دربرگیرنده حقوق اقتصادی، فرهنگی و قضایی است. حقوق اساسی در پنج اصل آمده، در اصل نوزده بر حقوق اساسی مردم ایران و برابری تأکید شده و در اصل بیستم به برخورداری از حمایت قانونی و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همه ملت تصریح

شده است. اصل چهلم، چگونگی تعامل بین حقوق شخصی افراد با حقوق عمومی را مشخص کرده است. اصل پانزدهم، برابری و برخورداری از حقوق فرهنگی را به طور مساوی تعیین کرده و اصل بیست و دوم هم مصونیت افراد از تعرض را مطرح می‌سازد. بندهای اصل سوم هم وظایف جمهوری اسلامی را در زمینه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، مشارکت در تعیین سرنوشت و ایجاد امنیت قضایی و تأمین حقوق افراد به طور مساوی در برابر قانون و آموزش رایگان نشان می‌دهد. حقوق سیاسی در اصول ۲۳ تا ۲۷ قانون اساسی آمده است. حقوق اداری، اقتصادی و فرهنگی در هشت اصل^۵ تدوین شده و حقوق قضایی هم هشت اصل^۶ را به خود اختصاص داده است (وردی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۳۲۸-۳۲۴).

به این ترتیب، قانون اساسی حقوق شهروندی را در قالب حقوق ملت در خود جای داده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: حقوق بدون قید و شرط که حق همه شناخته شده و ۱۶ اصل را در برمی‌گیرد؛ قوانینی که در متن مقید و محدود شده که قید آن را به حکم قانون تعیین کرده‌اند و شامل ۷ اصل می‌شود؛ قوانینی که ناظر به حقوق مشروط شهروندان است با این شرایط: عدم ایراد اخلاقی به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران است (همان: ۳۳۴). بدیهی است نظام حقوقی ایران و مهم‌ترین رکن آن قانون اساسی، به تأمین نیازها و خواسته‌های مردم توجه داشته و مفهوم رایج تابعیت سرزمین را به رسمیت شناخته است. به عبارت دیگر، قانون اساسی گام مؤثری در فرآیند حاکمیت قانون، تضمین آزادی‌ها و برخورداری از امکانات و... یا بهره‌مندی از حقوق شهروندی برداشته است. مباحث حقوقی مطرح شده در این قوانین با معیارها و استانداردهای جهانی حقوق بشر منطبق است. با این حال مشکلاتی در زمینه اصول مشروط یا مقید به ملاک و موازین خاص در آن مشاهده می‌شود. با وجود این، نکته مهم آن است که شهروندی صرفاً با تصویب قوانین تحقق نمی‌یابد، بلکه به عناصر و عوامل دیگری هم وابسته است که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند جنبه بازدارنده داشته باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر پیمایش بوده است. با توجه به رهیافت‌های نظری و ملاحظات تجربی از تکنیک پرسش‌نامه و مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات بهره‌گیری شده است. جامعه آماری را ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران تشکیل می‌دهند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه مناسب از فرمول کوکران استفاده شده که حجم نمونه ۷۲۰ نفر برآورد شده است. مبنای انتخاب نمونه‌ها نقشه بلوک‌های شهر تهران و چارچوب نمونه بوده است.

اصلی‌ترین متغیر در این پژوهش وضعیت شهروندی است که براساس مؤلفه‌ها و ابعاد اخذ شده از تعاریف و نظریه‌ها در منابع متعدد مفهوم‌سازی شده است. طبق تعریف پیشنهادی، شهروندی موقعیت و منزلتی است که در بردارنده مجموعه حقوق و وظایف قانونی است و رفتارهایی در موقعیت قانونی و شرایط غیررسمی را شامل می‌شود. از

۱. اصول ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۲۹، ۳۳، ۴۱، ۴۶ و ۴۷ با موضوعیت شغل، آموزش، مسکن، تأمین اجتماعی، تعیین محل اقامت، حق تابعیت، حق مالکیت و کار.
۲. اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ با موضوع مصونیت جان و مال، حقوق مسکن و اشتغال، پیگرد و دستگیری قانونی، ممنوعیت شکنجه، هتک حرمت و حیثیت و مجازات قانونی.

سوی دیگر شهروندی بازتاب بر خورداری از حقوق و عمل به وظایف است که بارزترین نماد آن مشارکت در جامعه است. هم‌چنین، شهروندی در بردارنده نوعی احساس تعلق و هویت است که با وفاداری و مسئولیت‌پذیری نتیجه می‌دهد. این تعریف ناظر بر عناصر اخلاقی، شناختی و رفتاری در حوزه‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که تعامل میان آن‌ها وضعیت شهروندی را شکل می‌دهد.

به منظور اندازه‌گیری متغیر، از مقیاس‌های یک و چند بعدی استفاده شده است. شیوه ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری "اعتبار صوری"^۷ و اعتبار محتوا^۸ مبتنی بر اخذ نظرات استادان و صاحب‌نظران بوده، پس از آن انجام پیش‌آزمون^۹ و محاسبات آماری متعددی به ویژه ضرایب همبستگی و تحلیل عاملی^{۱۰} مبنای ارزیابی میزان تداخل و اشتراک مفهومی مقیاس‌ها و کاهش متغیرها بوده است. در تحلیل پایایی و اعتماد^{۱۱} مقیاس‌های موجود در پرسش‌نامه، از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۲. ضرایب آلفای وضعیت شهروندی

مقیاس‌ها	آلفا
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۷۱۱
آگاهی از وظایف شهروندی	۰/۷۶۲
برخورداری از حقوق شهروندی	۰/۹۱۲
عمل به وظایف شهروندی	۰/۶۳۱
احساس هویت شهروندی	۰/۸۲۸
وضعیت شهروندی	۰/۸۹۸

وضعیت شهروندی در شهر تهران

از میان ۷۲۰ نفر از افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن در مناطق مختلف شهر تهران که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ۴۹/۲ درصد آنان را زنان و ۵۰/۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. گستره سنی افراد از ۱۵ تا بیش از ۷۰ سال بوده و بیشترین تعداد در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۹ سال قرار داشته‌اند. اغلب این جمعیت شاغل بوده و در میان زنان، خانه‌داران بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. بیش از ۶۳ درصد خود را بومی شهر دانسته و در

⁷. Face validity

⁸. Content validity

⁹. Pre – test

¹⁰. Factor analysis

¹¹. Reliability analysis

میان مهاجران مدت اقامت در شهر به طور متوسط ۲۵ سال برآورد شده است. اکثر افراد پاسخ‌گو دارای تحصیلات متوسط و دیپلم بوده و میانگین سواد آنان ۱۱/۵ سال تحصیلی است. از نظر وضعیت شغلی، ۳۲/۶ درصد در مشاغل دفتری و اداری، ۱۶/۱ درصد مشاغل خدماتی و ۱۴/۹ درصد کارشناس بوده‌اند. سایر افراد نیز در مشاغل فنی و حرفه‌ای، فروشنده‌گی و بازرگانی، مدیریتی و علمی و تخصصی، به کار اشتغال داشته‌اند. ۵۸/۲ درصد افراد نمونه متأهل بوده‌اند.

مطالعه نگرش‌ها و سوی‌گیری‌ها نسبت به مسایل مختلف نشان می‌دهد که اغلب درحد متوسط عام‌گرا بوده و در انتخاب قومیت خود ۶۶/۵ درصد به قومیت فعلی خود اشاره کرده‌اند. در زمینه مشارکت در امور مختلف جامعه نگرش بی‌تفاوت و پس از آن منفی غالب بوده است. پاسخ‌گویان از میزان ملیت‌گرایی بالایی برخوردار بوده و در زمینه ارزش‌های دموکراتیک نظیر برابری، عدالت، آزادی، حاکمیت مردم و... ۴۹/۶ درصد بی‌تفاوت بوده و ۴۶/۵ درصد موافقت داشته‌اند. آینده‌نگری در میان اکثر افراد درحد زیاد بوده و اعتقاد به برنامه‌ریزی نزد ۴۷/۸ درصد زیاد و ۳۱/۹ درصد کم برآورد شده است. احساس اعتماد تعمیم‌یافته برای نسبت قابل توجهی از افراد متوسط و کم بوده است.

پی‌گیری اخبار و وقایع سیاسی و اجتماعی جهت سنجش آگاهی و اطلاعات پاسخ‌گویان در نظر گرفته شده است. بر اساس اطلاعات، اکثر پاسخ‌گویان درحد متوسط و زیاد اخبار را پی می‌گیرند و اصلی‌ترین منبع کسب خبر آنان تلویزیون و با فاصله قابل توجهی مطبوعات بوده است. به لحاظ وقت فراغت بیشتر افراد زمان فراغت خود را کم اعلام نموده‌اند که در آن به فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، فرهنگی و مذهبی می‌پردازند و فقط ۵/۴ درصد فعالیت‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی انجام می‌دهند. ۵۸/۲ درصد افراد به مشارکت در فعالیت‌های منظم داوطلبانه تمایل نداشته و ۷۵/۳ درصد در هیچ فعالیت داوطلبانه‌ای شرکت نداشته‌اند. در زمینه مشارکت در فعالیت‌های محله و شهر هم نسبت مشارکت‌کنندگان (۳۴/۴ درصد) بسیار کم است. اصلی‌ترین دلایل عدم مشارکت به نداشتن وقت، نداشتن علاقه و حوصله، بی‌اعتمادی و بی‌فایده بودن مشارکت اختصاص داشته است. نکته قابل توجه در زمینه مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، آن است که دلایل عدم تمایل بیشتر فردی بوده، در صورتی که دلایل تمایل به مشارکت ابعاد اجتماعی داشته که مهم‌ترین آن‌ها پیشرفت جامعه و ارتباط با مردم ذکر شده است.

در زمینه وضعیت شهروندی بر اساس مؤلفه‌های تعیین‌شده نتایج حاکی از آن است که شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد (۱۶درصد) معنادار و قابل درک نبوده و یا به ساکن شهر (۲۸درصد) اطلاق می‌شده است. ۲۳درصد هم با تعابیر مختلف به بخش‌هایی از حقوق و وظایف اشاره داشته‌اند. بقیه هم در تعریف مفهوم به هویت فردی، هویت جمعی، برخورداری از حقوق و انجام تعهدات پرداخته‌اند. میزان آگاهی از مجموعه حقوق ۵۷/۲ درصد و میزان آگاهی از مجموعه وظایف ۵۲/۵ درصد درحد متوسط بوده است. مقایسه ارقام، در بعد مؤلفه‌های آگاهی از حقوق، برخورداری از امکانات رفاهی و اقتصادی بالاترین درصد را نشان می‌دهد و حق انتشار نشریات پایین‌ترین درصد را داشته است. ارزیابی ابعاد مختلف وظایف شهروندی نیز نشان می‌دهد آگاهی از اخبار و مسایل کشور در بالاترین میزان و مشارکت در امور و مسایل مختلف جامعه در کمترین سطح قرار داشته است.

بعد رفتاری شهروندی هم نشان می‌دهد که بیشتر افراد (۸۸/۶ درصد) در حد کم و متوسط خود را برخوردار از حقوق دانسته‌اند. در میان ابعاد مختلف حقوقی، توجه به اعتراضات و خواسته‌های قانونی کمترین میانگین و احساس آرامش و امنیت در خانه بالاترین میانگین را کسب کرده است. در زمینه عمل به تکالیف و وظایف شهروندی هم ارقام ۵۴/۶ درصد حد متوسط و ۲۲/۴ درصد سطح پایین را نشان می‌دهند. در برآورد میانگین‌ها بالاترین حد به پای‌بندی به قوانین و پایین‌ترین به همکاری با نهادها و سازمان‌های غیر دولتی اختصاص یافته است. نکته قابل تأمل آن‌که در بعد رفتاری شهروندی، کسانی که آگاهی بیشتری از حقوق داشته‌اند کمتر از دیگران خود را برخوردار از آن‌ها قلمداد کرده‌اند، اما آگاهی بیشتر از وظایف شهروندی سبب انجام بیشتر تعهدات و تکالیف شده است.

به لحاظ نظری احساس^{۱۲} که در دو بعد هویت^{۱۳} و فضیلت مدنی معنا می‌یابد و به وفاداری منجر می‌شود، در میان پاسخ‌دهندگان نشانگر وابستگی ملی آنان است، به گونه‌ای که ۴۹/۱ درصد هویت اصلی خود را هویت ایرانی، ۳۶/۶ درصد هویت ملی و بعد قومی دانسته‌اند. اما در احساس تعلق به اجتماع، اکثریت (۴۸/۱ درصد) خود را به خانواده متعلق می‌دانند و پس از آن ۳۳/۸ درصد به کشور. فقط ۱/۵ درصد نسبت به محله و ۱/۳ درصد نسبت به شهر در مقایسه با دیگر اجتماعات احساس تعلق داشته‌اند. در زمینه اولویت منافع اجتماع بر منافع شخصی - فضیلت مدنی - ۵۳ درصد در حد زیاد و ۳۰/۶ درصد در حد کم پاسخ مثبت داده‌اند. بنابراین، در بعد احساس نوعی عدم تعادل در مورد ملیت و قومیت مشاهده می‌شود. طبق یافته‌ها افراد در بیان هویت خود به ویژه در برابر غیر ایرانیان بر هویت ملی خود تأکید داشته‌اند، در حالی که به شدت به منافع و اولویت‌های قومی پای‌بند هستند.

نتایج حاصل از جداول متقاطع و آزمون‌های آماری در ترکیب سه مؤلفه حقوق، وظایف و احساس شهروندی نشان می‌دهد که وضعیت شهروندی در تهران محصول عناصر نهادی درگیر در سطوح کلان، میانی و خرد در ساختار جامعه است که به صورت یک نظام اجتماعی هم‌زمان قابل درک است. بخشی از شرایط به منابع و امکانات لازم برای توانمندی جامعه و تواناسازی افراد بازمی‌گردد که در این پژوهش در قالب متغیرهای مختلف تأثیر خود را بر شهروندی آشکار ساخته است. بخشی دیگر از متغیرها به فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی مربوط بوده که دارای رابطه معنادار با شهروندی است. بر اساس یافته‌ها، حضور و مشارکت در فعالیت‌های مختلف محله و شهر بر سه بعد شهروندی تأثیر مثبت داشته است.

نظام شخصیت افراد به عنوان نظام تمایلی هنجارشده‌ای که در اثر تعامل نظام‌های ارگانیک و اجتماعی در خلال فرآیند جامعه‌پذیری رشد می‌یابد و به صورت نظام واسط بین نظام عالی و اجتماعی عمل می‌کند (چلبی، ۱۳۸۱: ۹۹)، در این پژوهش با سوگیری مثبت نسبت به ارزش‌های عام، دموکراتیک، مشارکت، آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و اعتماد تعمیم‌یافته بر شهروندی مؤثر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نظام

12. Feeling

13. Identity

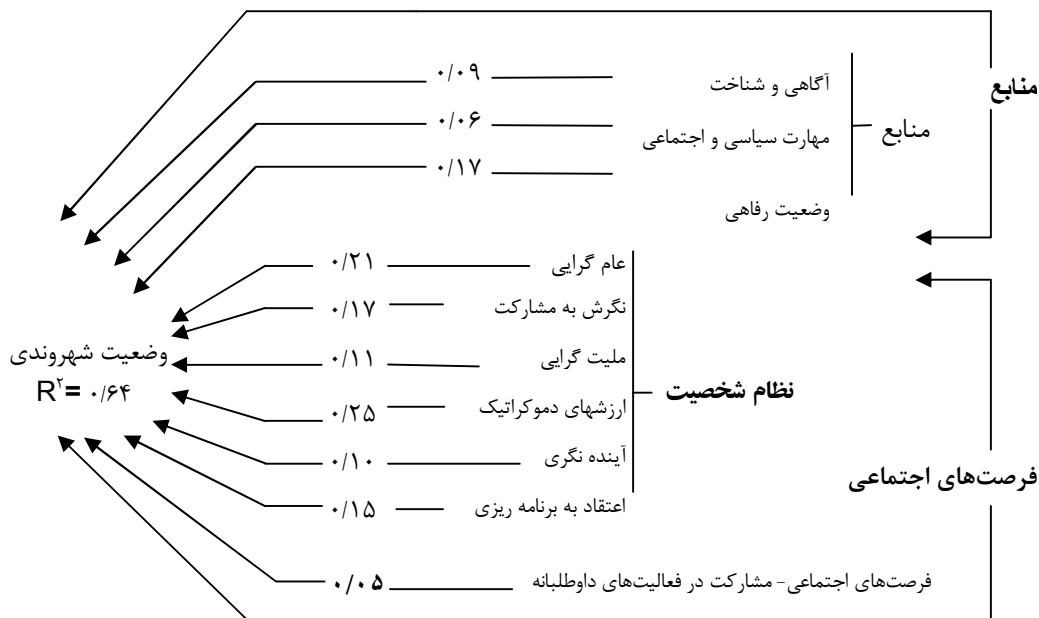
شخصیت با ایجاد انگیزه، زمینه لازم برای آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی و احساس تعلق به جامعه را فراهم می‌سازد و افراد را به شهروندانی فعال و مشارکت‌جو تبدیل می‌کند.

علاوه بر تبیین یافته‌ها به منظور تحلیل جامع شهروندی و ارزیابی ارتباط پیچیده متغیرهای مؤثر از تحلیل چند متغیری استفاده شده است. نتیجه تحلیل حاکی از آن است که ضریب تعیین تصحیح‌شده^{۱۴} قادر به پیش‌بینی تغییرات شهروندی با متغیرهای مستقل در سطح خرد در حد ۶۴ درصد است. اشتباه استاندارد ۹/۶۳ برآورد شده و آزمون f

روابط را معنادار نشان می‌دهد ($p=0/0000$).

طبق برآورد ضرایب بتا (Beta) و معناداری آزمون تی (T) بیشترین تأثیر بر شهروندی ناشی از نظام شخصیت افراد به ترتیب در ابعاد ارزش‌های دموکراتیک، عام‌گرایی، نگرش به مشارکت، اعتقاد به برنامه‌ریزی، ملیت‌گرایی و

نمودار ۱. تحلیل چند متغیری شهروندی در شهر تهران



آینده‌نگری است. بدین معنا که به ازای یک واحد تغییر در ابعاد نظام شخصیت به اندازه ضرایب بتا تغییر در شهروندی پدید می‌آید. در بخش منابع نیز امکانات رفاهی که به ویژه با پایگاه اجتماعی در ارتباط است توانسته ۰/۱۷ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. آگاهی و شناخت در خصوص مسایل کشور با ضریب بتای ۰/۰۹ و مهارت‌های اجتماعی و سیاسی ۰/۰۶ تغییرات شهروندی را بر اساس یک واحد تغییر تبیین می‌کنند. همچنین مشارکت بیشتر افراد در فعالیت‌های داوطلبانه هم در تغییرات شهروندی با بتای ۰/۰۵ تأثیرگذار بوده است.

به این ترتیب همان‌طور که در مدل آمده، وضعیت شهروندی در شهر تهران متأثر از متغیرهای متعدد در بخش منابع، نظام شخصیت و فرصت‌های اجتماعی است. در بعد منابع وضعیت رفاهی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و در بعد نظام شخصیت ارزش‌های دموکراتیک و عام‌گرایی بالاترین ضرایب را داشته است. مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه هم در بعد فرصت‌های اجتماعی توانسته سهمی از تغییرات شهروندی را پیش‌بینی کند. با توجه به معادله به دست آمده در شهر تهران می‌توان ۶۴ درصد از تغییرات شهروندی را پیش

¹⁴. Adjusted R square

بینی نمود، و بخش باقی مانده مربوط به متغیرهای سطح کلان به ویژه در بعد منابع و فرصت‌های اجتماعی است که وارد تحلیل نشده‌اند. این نتیجه مؤید آن است که برای افزایش آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی و احساس تعلق بیشتر به جامعه بایستی به رشد آگاهی و شناخت افراد، تقویت مهارت‌ها، ایجاد امکانات رفاهی و دسترسی به امکانات توجه نمود. هم‌چنین باید در ایجاد و تقویت نگرش‌های مثبت نسبت به مسایل جامعه و اعضای آن گام برداشت و زمینه را برای حضور و مشارکت بیشتر در عرصه‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه فراهم کرد.

جایگاه شهروندی در مدیریت شهری

مدیریت در کتاب‌های علمی دارای تعاریف گوناگونی است. یکی از تعاریف به کار گرفته شده «کارکردن با و به‌وسیله افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سازمان است که دارای شاخه‌های متفاوتی می‌باشد». با این تعریف، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و انگیزش در ارتباط با هم از وظایف مدیریت است. مدیریت شهری نیز - به عنوان مثال - بخشی از دانش مدیریت است که با در نظر گرفتن عرصه‌های نظری و با بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم به اداره امور شهرها می‌پردازد. «نظام مدیریت شهری سازمان گسترده‌ای متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری است که با هدف اداره، هدایت و کنترل توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر فعالیت می‌کند». این نظام سه سطح از مدیریت شامل مدیریت سیاسی - اجتماعی، مدیریت سازمانی و برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی و فنی را شامل می‌شود (رجب‌صلاحي، ۱۳۸۳).

نظام‌های مدیریتی جهان در جهت تکامل خود مسیری را از مدیریت استبدادی به مدیریت مشارکتی طی کرده‌اند. به طوری که امروزه به ویژه از ۱۹۶۰ به بعد حتی مدیریت دولتی هم بر ارزش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سازمانی تأکید خاص دارد (ر.ک مک‌لگان و نل، ۱۳۷۷). به این ترتیب، اتخاذ سیاست‌های مشارکتی مطابق با شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه جهت توسعه‌یافتگی درون‌زا (کائوتوی و دیگران، ۱۳۷۹) سرلوحه اداره امور جوامع قرار گرفته است. منطق این شیوه مدیریتی آن است که افراد در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر سرنوشت خود مشارکت کنند و در کارهای مختلف از آزادی عمل بیشتری برخوردار شوند و بر زندگی خود نظارت نمایند. چنان‌چه مشارکت را تعهد و عملی آگاهانه، آزادانه و فعالانه بدانیم که از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود، و کارکرد اصلی شهروندی را «اداره جامعه طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترکی که این حقوق را پایدار می‌دارند» (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۱۱-۲۱۰)، آن‌گاه ارتباط این دو عنصر، جایگاه شهروندی در مدیریت را آشکار می‌سازد.

به عبارت دیگر، مشارکت را می‌توان بستر شکوفایی خلاقیت‌های انسان به شمار آورد که از یک‌سو مفهوم شهروندی بر اساس آن ساخته می‌شود و از دیگر سو جزئی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. به تعبیر

فالکس ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت^{۱۵} متمایز می‌کند، وجود یک اخلاق مشارکتی است. بنابراین، مشارکت فعال پایه و اساس شهروندی و رمز تحقق آن است (شیانی، ۱۳۸۲: ۲۰).

بایستی توجه داشت که فرآیند سهیم‌شدن در تصمیمات اثرگذار بر زندگی فردی و جامعه - مشارکت - در قالب مدیریت شهری صرفاً در شهرهای شهروندمدار تحقق خواهد یافت. این شهرها، محصول جامعه‌ای است که در آن فرد خارج از شبکه خونی، قومی، عشیره‌ای و قبیله‌ای خود دارای هویت است. چنین جامعه‌ای بر اساس وفاق اجتماعی که به صورت قرارداد اجتماعی نمود می‌یابد، استوار است و جامعه‌ای به لحاظ مدنی قدرتمند در آن تولد و تکامل یافته است. در این جامعه، زندگی به سه عرصه مجزا لیکن مرتبط با هم یعنی عرصه خصوصی، عمومی و حکومتی تقسیم شده و قانون که نهادینه شده و مورد قبول آحاد مردم است، حد و مرز هر عرصه و رابطه میان آن‌ها را تعیین می‌کند. افراد در هر عرصه صاحب حقوق مشخص، تعریف شده و نهادینه هستند. نظام سیاسی به مشروعیت نیازمند است و حتی کاربرد زور هم باید با فرآیندهای قانونی همراه باشد و مشروع به نظر رسد. با این‌که در تحلیل نهایی این شهر، نظام طبقاتی و طبقه حاکم قدرت را در اختیار دارد، لیکن بر اساس قواعد بازی سیاسی تلاش می‌کند تا قدرت خود را از نظر مردم مشروع جلوه دهد (پیران، ۱۳۷۷). به این ترتیب، شهروندی جوهره اصلی نظام‌های مدیریت مشارکتی به شمار می‌رود که می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و انگیزش قرار گیرد. به عبارت دیگر، مدیریت شهری تنها از طریق کسب مشروعیت دموکراتیک می‌تواند قدرت و اختیارات لازم و نیز حمایت سیاسی و اقتصادی و مشارکت شهروندان را به دست آورد که این مهم در سایه تحقق شهروندی امکان‌پذیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

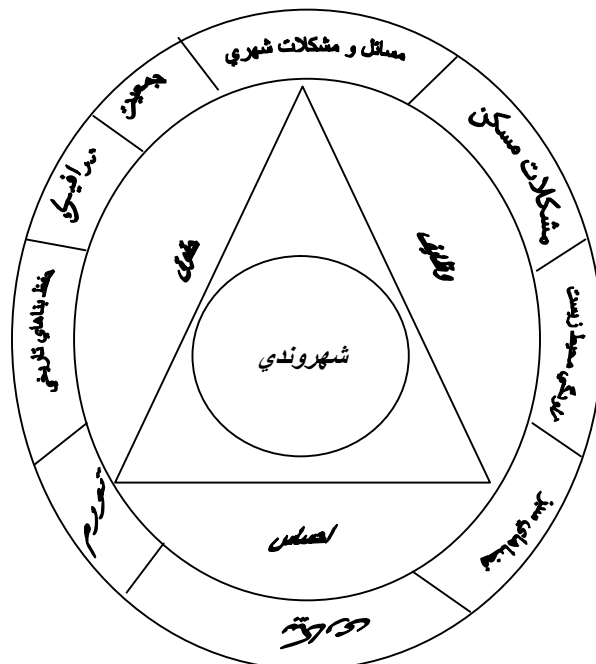
جامعه ایران و به تبع آن شهر تهران در دوره جدید دستخوش دگرگونی‌های بسیار چشم‌گیری شده است. دگرگونی که ابعاد و به ویژه جهت‌گیری‌های آن را تحت تأثیر قرار داده و مسایل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متعددی را سبب شده است. با وجود انقلاب مشروطه و پی‌ریزی شهرداری‌های نوین در مدیریت شهری و پس از آن انقلاب اسلامی و مطالبات گسترده دموکراتیک برای مشارکت، هنوز یک دولت محلی مستقل در تهران استقرار نیافته است. بنابراین، چنان‌چه تدابیر لازم برای آن اتخاذ نگردد، عواقب غیر قابل پیش‌بینی را به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر بر اساس پژوهش‌های انجام یافته، نظام حقوق شهری ایران و به ویژه قانون شهرداری‌ها ناظر بر هویت شهروندی نیست و با وجود اعتبار قانونی و ضمانت اجرایی حقوقی، در بخش‌های مختلف روح شهروندی مدرن را بازتاب نمی‌دهد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). در نتیجه بایستی زمینه را برای تحقق شهروندی در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی جامعه فراهم ساخت تا رابطه متقابل مناسب میان افراد، دولت و نهادهای مختلف به ویژه در مدیریت شهری برقرار شود.

¹⁵. Subjecthood

بایستی توجه داشت که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است، بنابراین شیوه‌هایی که به کار می‌گیرد خنثی و بی‌طرف نیست، و موانع بر سر راه آن امری قابل پیش‌بینی به شمار می‌رود. مهم شناخت موانع و چاره‌اندیشی برای رفع آن‌ها است. براساس نتایج پژوهش انجام یافته در تهران، اصلی‌ترین موانع شهروندی فقدان منابع، فقدان فرصت‌های اجتماعی و نبود نگرش‌های مناسب بوده است که نشان می‌دهد شهروندی واقعی نیازمند فراهم‌شدن زمینه‌های عینی و ذهنی است. در این بسترسازی کنش‌گران فردی با الگوی تفکر و شیوه عمل خود، کنش‌گران جمعی با تقویت حوزه‌های عمومی و نهادهای مدنی و ساختارها هم با ایجاد فرصت‌ها و بسترها مؤثر خواهند بود.

بدیهی است مدیریت شهری که از نوع سیستم‌های باز و بسیار پیچیده انسانی و اجتماعی است و با عناصر و روابط بسیار متنوع و متعددی روبه‌رو است، می‌تواند تمام نظام شهری اعم از فضای کالبدی، فعالیت‌ها، روابط و عملکرد آن‌ها را تحت پوشش قرار دهد. بنابراین در ماهیت سازمانی چند سطحی خود با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا می‌تواند برای شهروندی بسترسازی نماید. چنان‌چه با استناد به نظر اولد فیلد (۱۹۹۰)، شهروندی را یک عمل غیر طبیعی بدانیم که بایستی به افراد آموزش داده شود، در برخورد با مسایل شهری، مدیریت می‌تواند با طراحی برنامه‌های شهروندمدار، نقش راهنما را در سازمان‌دهی به عهده داشته و اصل را بر مشارکت قرار دهد. این شرایط مبتنی بر موقعیت سیاسی برابر و قابل‌بازآفرینی در تمام حوزه‌ها به ویژه انجمن‌های داوطلبانه است. پیشنهاد مشخصی که در این جا می‌توان ارائه داد، تدوین و اجرای برنامه جامع آگاه‌سازی در زمینه حقوق، وظایف و احساس شهروندی است.

نمودار ۲. برنامه جامع آگاه‌سازی



بر اساس مدل، در تدوین برنامه جامع آگاه‌سازی می‌توان با محور قراردادن شهروندی برنامه‌های مختلفی را برای مشکلات شهری در مناطق و محله‌های مختلف شهر متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و فضایی آن‌ها طراحی و اجرا کرد. در تدوین این برنامه‌ها چند نکته حایز اهمیت است: (۱) وجود میزانی از اتفاق نظر بر سر ارزش‌های بنیادی شهروندی؛ (۲) آموزش حقوق، مسئولیت‌ها و احساس شهروندی در سطوح مختلف و بر اساس نیازهای افراد، گروه‌ها و اقشار متعدد در جامعه؛ (۳) ایجاد فرصت‌های مشارکت در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا؛ (۴) اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در راستای توانمندسازی جامعه و اجرای برنامه‌های لازم برای تواناسازی افراد؛ (۵) حرکت سیاست‌ها و راهبردها به سمت ارتقای مفاهیم "شهروند خوب"، "شهروند فعال" و مشارکت‌جو. این برنامه می‌تواند چارچوبی برای اداره امور شهرها برای مردم و به همراه مردم باشد. در خاتمه بایستی اذعان داشت که شهروندی به خودی خود درمان نیست، اما زیربنای محکم و چارچوب کنترل‌کننده و کاهش‌دهنده بسیاری از مشکلات و مسایل شهری در جامعه دموکراتیک و شهرهای شهروندمدار است. بخشی از این چارچوب می‌تواند با تدوین و به اجرا درآمدن برنامه جامع آگاه‌سازی در شهر تهران پی‌ریزی شود.

منابع

- ارسطو (۱۳۷۰) سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- امین، سیدحسن (۱۳۷۶) «قانون اساسی و حقوق شهروندان»، در مجموعه مقالات تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- پیران، پرویز (۱۳۷۷) «شهر شهروندمدار»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۱۹ تا ۱۳۴.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰) مقدمه تشریحی تحقیق پایه‌ای تدوین منشور شهر تهران، تهران: دبیرخانه علمی کنگره منشور شهر تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رجب صلاحی، حسین (۱۳۸۳) «ساختار حکومت محلی، مدیریت شهری و شهرداری»، در مجموعه مقالات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: مسائل نظری و چالش‌های تجربی، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) «مشارکت اجتماعی کودکان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۷، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- فالكس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمدعلی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- کائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹) مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبایی، تهران: روش.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰) بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- مک لگان پاتریشیا و کریستوئل (۱۳۷۷) عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

وردی‌نژاد، فریدون (۱۳۷۶) «قانون اساسی و حقوق شهروندان»، در مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

Castles, S. & Davidson, A. (2000) *Citizenship & Migration*, London: Macmillan.

Encyclopedia of Philosophy (2000) London: Routledge.

Heater, D. (1999) *What is Citizenship?*, Cambridge: Polity Press.

Janowitz, M. (1980) "Observation on the Sociology of Citizenship", in B. S. Turner and P. Hamilton, eds., *Citizenship: Critical Concepts*, London: Routledge.

Marshall, T. H. (1964) *Class, Citizenship & Social Development*, New York: Doubleday & Company, Inc.

Oldfield, A. (1990) "Citizenship: An Unnatural Practice?", in B. S. Turner & P. Hamilton, ed. *Citizenship Critical Concepts*, London: Routledge.

Oliver, D. & Heater, D. (1994) *The Foundations of Citizenship*, Great Britain: Harvester Wheatsheaf.

Turner, B.S (2000) Islam, "Civil Society & Citizenship: Reflections on the Sociology of Citizenship & Islamic Studies", in A. N. Butenschon et al, ed. *Citizenship & the State in Middle East*, Syracuse: University Press.